

این بار استریپ مدعی اسکار نیست



اسکار امسال در نگاه استریپ نیست

مریل استریپ هنرنییشه زن ۶۹ ساله آمریکایی با ۲۱ مرتبه کاندیدایی اسکار و فتح سه تای آنها و ۳۲ بار نامزدی برای جوایز گولدن گلوب و تصاحب ۸ مورد آن زن‌اود تاریخ بازیگری و مدعی نخست عنوان برترین هنرنییشه زن تاریخ سینما است اما دو فیلمی که با در برداشتن او در ادامه سال ۲۰۱۸ اکران خواهد شد، هیچ‌یک قوه بخشیدن چیزی تازه را در این زمینه به کارنامه مافوق درخشان وی ندراند. هر دوی این فیلم‌ها از ژانر کمدی-اجتماعی و کارهایی هستند که در آنها نه یک بازی عمقی و دراماتیک بلکه شور و حال اعضای گروه و فضاهای خوش و موزیکال بر همه چیز حکم می‌راند و عجا که استریپ دراماتیک‌باز و تئاتری در عرصه آواز خوانی هم استاد است و این امر امسال در تقسیم دوم فیلم «امام‌امیا» یا نام جنینی «اما دیواره می آییم» یک بار دیگر به نمایش گذاشته می‌شود. دیگر فیلم سرخوش امسال استریپ که البته وی در آن یک نقش جنینی ایفا می‌کند، بازسازی فیلم کلاسیک و نیمه موزیکال «مری پاینزه» است که راب مارشل آن را ساخته است.

فیلم‌های بولاک همچنان می فر وشد

ساندرا بولاک که پس از او جگی‌ری دهه ۱۹۶۰ خود و سپس تصاحب اسکار سال ۲۰۰۹ برای بازی در فیلم دراماتیک و اجتماعی «نقطه کور» چند سال آرام را سپری کرد و سپس با فیلم فضایی و پرابتکار «جاذبه» محصول ۲۰۱۳ شکوهش را باز پس گرفت، با «اوشن ۸» که ساخته گری راس است و ادامه‌ای بر سه‌گانه دهه ۲۰۰۰ استیون سو‌دربرگ با اسمی «اوشن ۱۲.۱ و ۱۳» به‌حساب می‌آید، رونق قدیمی خود در گیشه‌ها را تکرار کرده است. او که در این فیلم سردسته یک گروه از سارقان زن است، هنوز و در ۵۴ سالگی هم از پر در آمدترین هنرنییشه‌های زن هالیوود به حساب می‌آید اما این ایراد به او وارد است که چرا سودسنازترین فیلم عمر هنری ۳۰ ساله وی که «مینون‌ها» محصول ۲۰۱۵ و پایگشهای بیش از یک میلیاردی است، یک کارتون است و بولاک در آن فقط صداییگی کرده است. بولاک که در سال ۱۹۹۴ با بازی در فیلم حادثه‌ای «سرعت» بسیار مشهور شد، برای ادامه سال ۲۰۱۸ هم فیلم جدید دیگری به‌نام «مالوری» را آماده پخش دارد.

به حال نیکولسون غبطه نخورید



جک نیکولسون با صورتی باد کرده و قدری دفرمه شده در اواخر بهار ۲۰۱۸

جک نیکولسون هنرنییشه معروف و ۸۱ساله آمریکایی پس از ۶ دهه بازیگری در سینمای کوشور و جهان ۸ سالی است که به حضورش در این عرصه پایان داده و در یک حالت نیمه‌بازنشستگی بسر می‌برد و البته امسال نیز قصد ندارد این سکوت و کم کاری ۸ ساله را بشکند. وی که واپسین فیلم‌هایش، «مرحوم» کار تحسین شده و گانگستری سال ۲۰۰۶ مارتین اسکورسیسی، «فهرست قبرنشین‌ها» فیلم عاطفی سال ۲۰۰۷ راب راینر و «زکام می دانی؟» کار کمدی-رمانتیک سال ۲۰۱۰ جیمزال ل بروکس بود، در سال‌های طلابی‌اش با فتح سه جایزه اسکار برای فیلم‌های «پرواز فرزان آشیانه فاخته» (۱۹۷۵)، «شرایط مهرورزی» (۱۹۸۳) و «بهترین شکل ممکن» (۱۹۹۷) حتی رقیایش را به تحسین بازی‌های روانی و فوق‌العاده‌اش واداشت و به‌کار وسیعیش در هنر سینما که با درخشن نسبی در فیلم‌های راجر کورمن از اواخر دهه ۱۹۵۰ و اوایل دهه ۱۹۶۰ آغاز شده بود، کلاسی بالاتر از رزانی داشت. با این حال او هفته‌پیش در لس‌آنجلس شهر محل سکونتش تصریح کرد که ترجیح می‌دهد مردم گذشته درخشان او را به یاد بسپرنند و با حضور وی در کارهایی جدیدتر اما سطح پایین‌تر، به حالش غبطه نخوردن.

مدیوم‌های موفق کریس پرات

کریس پرات هنرنییشه ۳۹ساله متولد ویرجینیای آمریکا با فروش چشمگیر قسمت پنجم از سری فیلم‌های حادثه‌ای و خیالی «دنیای ژوراسیک» در مرکز توجهی تازه قرار گرفته و دایره امکانات و پیشنهادهای شغلی‌اش را به شکل چشمگیری افزایش داده‌است. این در حالی است که او با بازی در دوگانه «نگهبانان کپکشان» به و همچنی قسمت سوم «اونجرز» حضور در کارهای کمیک استریپی را نیز از نموده است و در زمینه فیلم‌های جدی و دراماتیک نیز به حضور در «۳۰ دقیقه بعد از نیمه شب» کار سال ۲۰۱۲ کانرین بیکگلو می‌بالد. با این حال این یک باور پرطرفدار است که پرات با آن ظاهر درشت و هیکل ورزشکارانه‌اش بیشتر به درد فیلم‌های پر بخورد می‌خورد و به تلوویزیون هم با حضور وی در مجموعه «پارک‌ها و بازسازی» که تهیه آن از ۲۰۰۹ شروع و ۲۰۱۵ تمام شد، مدیوم موفقی برای وی بوده‌است.

الیجا وود و سال‌های دور از «حلقه»



الیجاوود (چپ) با قاهری ترزه در کنار نیکولس کیچ

الیجاوود که بازیگری ۳۷ساله و متولد شهر سدار رایپدز در ایالت آیوای آمریکا است، ۱۵ سال پس از پایان سه‌گانه فانتزی وسطجی ولی بسیار پر فروش «اریاب حلقه‌ها» هنوز توانسته است همان توجه مورد فرار گیرد که در زمان ساخت و ارائه آن فیلم‌های ساخته شده توسط پیتر جکسون نیوزیلندی بود. او با توجه به راه نیافتن کاراکتر کلیدی و معروفش در آن تریلوزی به‌نام فرودو باگینز به قسمت‌های دوم و سوم سه‌گانه بعدی جکسون که باز هم ریشه در «اریاب حلقه‌ها» داشت و نام آن «هابیت» بود (و در دهه بعدی یعنی ۲۰۱۰ عرضه شد)، دوران کاری و سال‌های خود را با فیلم‌های دیگری همچون «شهر گنّه»، «بابی»، «روز صفر»، «سلسله و جسی برای همیشه» و «آخرین شکارچی جادوگران» که هیچ‌یک کارهای فوق‌العاده‌ای نبودند، سپری کرد. وی در ادامه سال ۲۰۱۸ نیز فقط فیلم «مندی» را آماده نمایش دارد که به‌نظر نمی‌رسد از طریق آن توفیق خاصی شامل حال وی شود.

فیلم هفته

وصال روحانی

روزنامه نگار

«زندگی گروهی» یا «شور جمعی» (عنوان کمدی-رمانتیک تازه‌ای ازبن فالکونه است که در مقام سناریست، کارگردان و تهیه‌کننده، مرداول این فیلم ودلیل اصلی تولید آن به‌حساب می‌آید اما ملیسامک کارتی هنرنییشه معروف وموفق ژانر کمدی امریکایی ۱۲.۱۰سال اخیر نیز سهمی بارز را از این فیلم از طریق مشارکت در نوشتن فیلم‌نامه و ایفای نقش اصلی آن به‌خود اختصاص داده‌است ووقتی در نظر بگیریم که این دو در زندگی واقعی هم زن وشوهر هستند، از این همکاری مؤثر و بزرگ و تازه نباید شگفت‌زده‌شویم.»زندگی گروهی» متمرکز بر مادریه‌تازگی مجرد شده وطلاق گرفته‌ای است که به قصد اداره هر چه بهتر دختر کوچکش از تحصیل هم دست می‌کشد اما وقتی دخترش از آب و گل در آمد و دوران دبیرستان را تمام کرد و وارد کالج شد، او تصمیم به از سرگیری تحصیلاتش می‌گیرد و جالب‌تر اینکه در همان کالجی ثبت‌نام و آغازه تحصیل می‌کند که دخترش در آن مشغول تحصیل است وهمین مسأله یکسری ارتباط‌های تازه وجالب را برای مادر و دختر به‌وجودمی‌آورد. این رویداد سبب می‌شود مادر و دختر یکدیگر را بیشتر و بهتر از گذشته درک ودوستی عمیق‌تری بین‌شان شکل گیرد و آن چه شور جمعی و با اشاره به‌عنوان فیلم، زندگی خوش گروهی نامیده‌شده، زندگی ومرادوات این مادر و دختر با هم‌کلاسی‌هایشان وفرصت‌های تازه‌ای است که از این طریق نصیب‌شان می‌شود. اگر بازی مثل معمول پخته و در عین حال انفجاری وشیرین ملیسامک کارتی در نقش این‌مادر که دیانا نامیده می‌شود، از نقاطوت اصلی فیلم است، مالی گوردون هم در نقش دختری جلوه‌ای محسوس دارد و این فیلم به لطف استفاده صحیح از فرصت‌ها وخلق اتفاق‌های غیرمنتظره خنده‌دار و غافلگیرکننده تبدیل به یکی از موفق‌ترین آثار «کمدی موقعیت» در سال جاری شده و فروش زیاد یک ماهه واندی اخیر این فیلم در سطح جهان نیز محصول همین امر است.

درباره «زندگی گروهی»، فیلم جدید کمدی-رمانتیک بن فالکونه

فراتر از یک مادر معمولی

فعلی خود قیاس نکنم، یعنی چرا تصور نکنم که او اضافه بر مادر بودن، دوست من هم هست.

■ **مثل مک‌شاور و خواهر بزرگ**

مک کارتی که چاقی بیش از حدش مشخصه اصلی و از قضا از دلایل اصلی موفقیت اوست (همان‌طور که چاقی اولیور هاردی عضو گروه استثنایی و دو نفره لوبل و هاردی از دلایل اصلی توفیق آنان بود) اضافه می‌کند؛ دختران بسیاری در دیدهام که مادران‌شان در درجه اول برای آنها یک دوست‌اند تا یک مادر و من وبن فالکونه بنای فیلم‌مان را بر این اساس نه‌ایم، البته هنوز اولویت با مادر و فرزندهایی است که فقط یک رابطه‌عادی ومبتنی بر احترام متقابل بین‌شان برقرار است که آن هم قابل‌سیاس وارزنده‌است اما مادرانی که مانند یک مشاور و خواهر

شین بلک از بازی‌سازی «غار تگر» می‌گوید

ادغامی موفق از ژانرهای علمی-تخیلی، ترسناک و وسترن

در سال ۱۹۸۷ بود که فیلم اکشن، خیالی و ماورائی «غار تگر» (predator) با بازی آرنولد شوآر ترنر تکر معروف و اثرینی الاصل تبعه آمریکا تبدیل به یکی از موفق‌ترین فیلم‌های حادثه‌ای

سال شد و البته بر شوهرت و قوت جایگاه آرنولد در این ژانر هم افزود؛ در سال‌های بعدی یک قسمت دوم هم برای آن ساخته شد و حالا در تابستان ۲۰۱۸ و در حالی که ۲۱سال از آن زمان می‌گذرد، بازسازی فیلم نخست و البته همراه با برخی تغییرات و به روزسازی‌ها با کارگردانی شین بلک پیش روی سینما دوستان در غرب قرار داد و گمتر کسی توانسته‌است به‌رغم مزایای تقریباً کلاسیک فیلم نخست از محسنتات فیلم دوم نگوید. هر موقع شین بلک پروژه‌ای را در دست می‌گیرد، می‌توان مطمئن بود که در عین رعایت اصول وقواعد یک ژانر، آن را به‌گونه‌ای واژگون و متغیر می‌سازد که بینندگان چند برابر از دیدن آن به‌وحد می‌آیند و این در فیلم‌های قبلی او مانند «بنگ بنگ» و «ایرون من ۳» هم قابل‌لمس ومشاهده‌است. شین بلک در مصاحبه پیش‌رو درباره شرایط این نسخه تازه و مشخصه‌های آن، نحوه همکاری با سایر اعضای گروه تولید و همین‌طور تأمین اسپیشال افکت فیلم حرف‌های جالبی برای گفتن دارد.

■ **آقای بلک، چگونه و چرا به همکاری مجدد با فرد دگر برای ساخت این نسخه تازه از «غار تگر» پرداختید؟**
من سابقه همکاری با دگر در دو پروژه دیگر را هم داشته‌ام وهمنجایه من ثابت شد که ما توان کامل کردن یکدیگر را در مسیر ساخت یک فیلم داریم. از من و دگر سن‌وسالی گذشته‌اما همین مسأله سبب شده‌نگاهی به سمت عقب و به تصویر کشیدن زندگی جوان‌ترهای ماجراجو بر ایسان جالب‌تر شود. من ساختن فیلم‌های سنگین و رنگین و اسکاری را بسیار دوست می‌دارم اما هر از چندگاه هوس می‌کنم به تماشای فیلم‌های اکشن ساده و بالنسبه سراسرت‌نشینیم وفرد دگر نیز همین احساس را دارد.

■ **حتماً نوستالژی آن زمان‌ها و بویژه دهه ۱۹۸۰ در شکل‌گیری این اتفاق نقش مهمی داشته‌است؟**
صدا، صد و آن زمان‌ها من و امثال دگر به تماشای فیلم‌هایی مثل نخستین نسخه‌های بلند سینمایی از روی سریال تلوویزیونی «سفر ستاره‌ای» (در ادیان با نام «پیشازان فضا») و امثال آن می‌نشستم و لذت می‌بردیم و به ساخت چیزهایی

همین‌طور است. من و دگر تصمیم گرفتیم همه عناصر و فاکتورهای سنتی‌تر این‌گونه فیلم‌ها را گرد بیاوریم و کار خودمان را یک‌نیم و در عین حال برخی امتیازات ویژه بصری وامکانات مافوق‌مردن ونظایر آن را هم ضمیمه‌کارکنیم وبواقع کارمان چیزی باشد که ابتدا سوژه فیلم بینندگان را به‌دنیا ل خود می‌کشاند و سپس جزئیات تکمیلی آن هم به چشم می‌آید.

■ **اینک می‌گویند که «غار تگر» جدید ترکیبی از کارهای ترسناک و دلهره‌آور، علمی-تخیلی، وسترن و حتی کمدی**

■ **عنوان:** «زندگی گروهی» (یا «شور جمعی»)
■ **محصول:** کمپانی‌های نیولاین وبرادران وارنر
■ **تهیه‌کنندگان:** کریس هنجی و بن فالکونه
■ **سناریست‌ها:** بن فالکونه و ملیسامک کارتی
■ **کارگردان:** بن فالکونه

مشخصات فیلم

■ **عنوان:** «زندگی گروهی» (یا «شور جمعی»)
■ **محصول:** کمپانی‌های نیولاین وبرادران وارنر
■ **تهیه‌کنندگان:** کریس هنجی و بن فالکونه
■ **سناریست‌ها:** بن فالکونه و ملیسامک کارتی
■ **کارگردان:** بن فالکونه



ملیسا مک کارتی، مادری شاد با کلاه و ایپس دانشجویان جوان در پوستر فیلم «زندگی گروهی»

تولید وبخصوص بازیگران پر تعداد فیلم بخورد.وقتی جعبه‌لباس‌ها را آوردند، زنان به‌طرف آن هجوم بردند وبر سر تصاحب آنها دعوا شد. آن روزی که صحنه جشن گروهی ومشارکت‌مادر و دختر را در مراسم کالج‌شان می‌گرفتم، از شلوغ‌ترین و جالب‌ترین سنکسن‌های فیلم‌بود.

دیگر سنکسن جالب این فیلم، موقعی است که یک مجلس عروسی به‌هرج ومرج کشیده می‌شود ولابد این نیز از ثمرات فراوان دوستی نزدیک ما بین یک مادر و دختر است! مک کارتی در این باره می‌گوید: گرفتن همان صحنه یک روز کامل وقت ما را گرفت. گاهی وقت‌ها فقط یک بار روزی می‌دهد که بتوانید چنین مجالسی را ویران کنید و از چنین فرصتی هیچ‌گاه‌نگذرید!

منبع: Empire

دانشجویی به تصویر کشیده شده در فیلم «زندگی گروهی» مربوط به دهه ۱۹۸۰ و انعکاس دهنده حال و هوای آن زمان‌ها است و این نکته‌ای است که سؤال‌هایی دیرسره آن پیش آمده وبخصوص عده‌ای می‌پرسند چرا فالکونه و مک‌کارتی به آن زمان استناد کرده‌وقدری جلوتر نیامدند. مک‌کارتی در این باره می‌گوید: نمی‌دانم چرا آن زمان را انتخاب کردیم اما این را می‌دانم که این امر شرایط خاصی را برای ما و در متن این فیلم ایجاد کرد. با اعضای گروه گرم و دگور صحنه فیلم ششوی می‌گردیم ومی‌گفتمیم همان لبخند وحس وروال دونامیلز (هنرنییشه مطرح تلوویزیون سینمای دهه‌های ۱۹۸۰ و ۱۹۹۰ آمریکا) را به‌ما بده. البته به‌لباس‌های متعددی از آن عصر دست یافتیم ولی من شک داشتم سباز و اندازه آنها به تمام اعضای گروه

وبدیاوگ دیگری را جانشین آن کند. مک کارتی در این باره نیز اظهار می‌دارد: این به‌هر حال یک کار گروهی است و بارها پیش آمده‌که فالکونه یا فردی دیگر در گروه تولید فیلم جمله‌ای را که من صحیح می‌دانسته وقصد ادای آن را داشته‌ام، تغییر داده‌است. گاهی یک جمله از پیش نوشته در متن سناریو در بررسی اولیه درست بنظر می‌رسد اما در ارزیابی ثانویه و در هیجان لحظه، تأثیرگذاری‌اش را از دست می‌دهد ولزوم تغییر آن پیش می‌آید. بعضی وقت‌ها یک هنرنییشه به‌صرف محبوبیت تصور می‌کند که هر آن‌چه انجام می‌دهد، درست است و این شامل من نیز می‌شود و اینجاست که باید جلوی اشتباه او گرفته‌شود.

■ **وقتی لباس‌ها رسید، دعوا شد**

اجتماعات گروهی و کردهمایی‌های بزرگ کنار فرزندان خود و چیزی بسیار بیشتر از یک مادر صرف هستند، اهمیت وجودی وتأثیرگذاری بیشتری دارند و فیلم «زندگی گروهی» بر اساس این‌گونه‌مادرها وبسیار زنده دل وبرشور هم هست، بنا نهاده شده ودلیل اقبال عمومی و روویگرد خانواده‌ها و سالن‌های محل نمایش این فیلم در اروپا و آمریکا طی هفته‌های اخیر نیز همین مسأله بوده‌است.

■ **اختیار عمل کامل**

بن فالکونه گفته‌است چنان‌به‌حاضر جوابی و سرعت انتقال ملیسا مک‌کارتی معتقد است که به‌وحد اختیار عمل داده‌شود در هر یک از سنکسن‌ها ضمن جاری بودن صحنه‌ها و وقوع اتفاقات هر ششوی‌ای را که احساس کرد جواب نمی‌دهد، کنار بگذارد و جمله

یک همکاری کلاسیک و ماندگار

از روزی رمان سال ۱۸۶۸ لوئیزامی الکتا به‌نام «زنان کوچک» آن قدر نسخه‌های سینمایی، تلوویزیونی، تئاتری وسایر صور و شکل‌های هنری ساخته شده که از شمارش می‌گذرد اما جدیدترین نمونه آن نیز که اواخر بهار امسال وبر اساس سناریویی از هایدی تامس وبا کارگردانی ونه‌سا کاس ویل ساخته شده، نکات جالب متعددی دارد واین البته از غنای اثر مرجع و کاراوری زینال است که سبب شده هرچه از روی آن ساخته می‌شود، جذابیت لازم را داشته باشد، شاید تم‌های مشترک و همیشگی ونیازهای تغییر‌ناپذیر همه اعصار مانند قوت‌نهاد خانواده، عشق بین افراد یک سیرت و البته ضایعات و از دست دادن چیزها است که از زمان «Little Women» داستانی برای تمامی اعصار ساخته‌است اما هر برداشتی به ذهن ما بیاید، سفر مکاشفه‌ای و تدریجی چهار خواهر جوان و انتقال آرام‌شان از سنین کم به دوران بزرگسالی و دواج‌ومادر شدن چیزی است که از مرزهای زمان‌می‌گذرد وتغییر زندگی وفرهنگ‌ها و ملت‌ها اثری بر آن نمی‌نهد.

این بار هم چهار دختر قصه «زنان کوچک» با نام‌های مک (با بازی ویلا فیتر جردل)، جو (مایا هاولی)، بست (آن ال‌وی) و ایمی مارچ (کاترین نیوتن)، با کمک‌های مادر دلسوزشان مارمی (امیلی واتسون) از پندهای زمان ومراحل مراتب متعدد بزرگ شدن وتشکیل زندگی‌های مستقل عبور می‌کنند و به‌تکامل می‌رسند و البته عمه بسیار پولدار و حساس و طرف آنها به‌نام مارچ (انجلا لانزبری کهنه‌کار) نیز در این روند و بلوغ فکری وبویالی آنها شرکت دارد. امیلی واتسون که بتازگی در نسخه تازه‌ای از نمایش کلاسیک «شاه‌لیو» در تلوویزیون دولتی بریتانیا نیز به همکاری با آنتونی هابکینز بر سابقه و برجسته پرداخته‌است، درباره این نسخه تازه از «زنان کوچک» می‌گوید: من سناریوی هایدی تامس وبواقع برداشتی را که او از داستان «زنان کوچک» داشته‌است، بسیار پسندیدم. البته در زمان ساخت فیلم‌هایی از این دست و حتی بر اساس



انا واتسون در قالب مادری دلسوز در میان چهار دخترش در ورسیون تازه «زنان کوچک»

داستان‌های بزرگ و کلاسیک اطمیثانی به‌اینکه کارتان حتماً خوب از آب در بیاید، ندارند وهر اتفاقی متصور است ولی اصل ماجرا حتی در صورت انجام به روزسازی‌هایی روی آن برجای خود وبه‌وقت سابق باقی‌است و این مدیریت یک مادر پر زندگی چهار دخترش وطراحی‌ها واقعات او برای پخته شدن هر چه بیشترش و تنبع آن در زندگی‌های مستقل زناشویی است که تشکیل خواهد داد. این مادر با بازی من به این نتیجه رسیده که هر زنی و حتی غیر مادران باید برای حفظ واستمرار حقوق زنان تلاش جدی کنند ومقابل نامالامات بایستند. من از کارکردن با این هنرنییشه‌های جوان نیز رنج نبردم زیرا ونسا کاس ویل در مقام کارگردان جلسات متعدد بازخوانی سناریو و متن آن را برگزار کرد ومن و هنرنییشه‌های جوان فیلم به بهترین شکل توانستیم با آرا و ایده‌های یکدیگر آشنا شویم وسنگ بنای تلاش مشترک‌مان را در جریان تهیه فیلم بگذاریم. این یک مشارکت وهمکاری کامل ومؤثر بود.

منبع: Newyorker

■ **مدیر فیلمبرداری:** جولیبوماکت/ ■ **دوبینگر:** برایان اولدز

■ **موسیقی متن:** فیل ایزلر

■ **طول مدت:** ۱۰۵ دقیقه

■ **بازیگران:** ملیسامک کارتی، جلیلیان جاکوبز، مایا رودولف، جولی

بوون، مت والش، مالی گوردون، استیفن روت وجکی ویور.